خبر ویژه

رئیس مرکز تحقیقات لنز و اپتیک ایران اعلام کرد

تولید لنزهای تماسی جدید برای بیماران عیوب انکساری

● رئیس مرکز تحقیقات لنز و اپتیک ایران از طراحی و ساخت لنزهای چشمی کورینواسکرال برای افراد دچار عیب‌های انکساری چشم و قوز قرنیه خبر داد و گفت: قیمت این لنزها یک‌سوم نوع وارداتی آن است. دکتر پرویز زرین‌بخش افزود: در این شیوه مختصات چشم بیمار اندازه‌گیری شده، به دستگاه سی‌ان‌سی که ماشین‌های کامپیوتری قابل برنامه‌ریزی هستند، داده می‌شود و سپس دستگاه متناسب با وضعیت چشم بیمار، لنز را طراحی کرده و تحویل می‌دهد. وی با اشاره به اینکه این لنزها برای تمام گروه‌های سنی که دچار عیب‌های انکساری چشم شامل نزدیک‌بینی، دوربینی شدید، آستیگماتیسم منظم و نامنظم و قوز قرنیه هستند، کاربرد دارد، خاطرنشان کرد: از مهم‌ترین مزیت‌های این لنزها می‌توان راحتی بیمار و احساس‌نکردن لنز به‌عنوان یک جسم خارجی در چشم، اکسیژن‌رسانی بالا، عبور مایعات از زیر لنز که مانع خشکی چشم می‌شود و میدان دید بهتر را نام برد.

زرین‌بخش ادامه داد: از آنجا که یکی از شایع‌ترین مشکلات افرادی که از لنزهای غیر کورینواسکرال استفاده می‌کنند، ورود گردوخاک به زیر لنز و ایجاد آزار و اذیت برای استفاده‌کنندگان از این لنزهاست، طراحی لنزهای کورینواسکرال به‌گونه‌ای صورت گرفته که گردوخاک به زیر این لنزها نفوذ نمی‌کند. همچنین این لنزها بهترین گزینه برای بیماران دچار قوز قرنیه است که به دلیل انحنای قرنیه‌شان قادر به استفاده از دیگر لنزها نیستند. لنزهای کورینواسکرال مرکزیت کامل پیدا کرده به‌طور کامل سطح قرنیه این افراد را پوشش می‌دهند. به گفته وی، این روش روی ۱۰۹ بیمار مورد آزمایش قرار گرفته که میزان موفقیت آن ۹۴.۵ درصد بوده است که پس از موفق‌بودن کارآزمایی‌های بالینی، در حال حاضر در ۲۴ کلینیک و مطب چشم‌پزشکی در حال تجویز به بیماران است. زرین‌بخش از دیگر مزایای لنزهای جدید سرعت در دسترس‌بودن آنها را برشمرد و افزود: این لنزها طی ۲۴ ساعت در کشور طراحی و با قیمت یک‌سوم مشابه خارجی آن به بیمار تحویل داده می‌شود. همچنین در صورت وجود اشکالات احتمالی قابل بازگشت به لابراتوار برای اصلاح یا تعویض است. وی تاکید کرد: این در حالی است که فرایند واردات مشابه خارجی لنزهای کورینواسکرال که معمولا از آمریکا یا اروپا وارد کشور می‌شوند، حدود شش ماه به طول می‌انجامد که غیر از معطلی و انتظار بیمار برای تحویل لنز، درصورتی‌که لنز دارای اشکالاتی باشد، به دلیل وارداتی‌بودن آن و زمان‌بربودن فرایند تعویض، بیمار و تجویزکننده لنز دچار خسارت‌های مادی و اتلاف وقت خواهند شد.

گذر

بورس؛ ریشه جدل در کابینه

● **شرق:** یکی از نخستین برنامه انتخاباتی رئیس‌جمهوری کنونی به بازدید از تالار بورس برمی‌گردد و این موضوع در مناظره‌های انتخاباتی هم یکی از اصطلاحات پرکاربرد در ادبیات رئیسی بوده و شاید به همین دلیل ریزش‌های کنونی این بازار فشار مضاعف افکار عمومی به دولت را به همراه داشته است. این ماجرا تا جایی پیش رفته که در روزهای گذشته اخباری از تشر شدید رئیسی به خاندوزی مطرح شد که البته با تکذیب مدیر روابط‌عمومی وزارت اقتصاد هم همراه شد، اما به نظر می‌آید این خبرها ریشه‌ای هم دارد. فشار بر وزیر اقتصاد برای تغییر روند بورس، در صحن علنی دو روز پیش مجلس و پرسش‌های نمایندگان از خاندوزی هم آشکار بود و کار تا جایی پیش رفت که برنامه تازه فروش اوراق فعلا تعطیل شده است. بازار سرمایه البته در دو، سه روز گذشته کمی متعادل شده و تحت تأثیر این فضا و برخی تصمیمات، روی سبزشدن به خود گرفته است. اکنون تمام پیش‌بینی‌ها از احتمال بهبود این بازار حکایت دارد و کارشناسان از پیش‌بینی رشد ۲۵ درصدی بورس تا پایان سال خبر می‌دهند. همین دیروز «محسن خلیلی»، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با ایسنا، با تأکید بر اینکه ذات بازار سرمایه نوسان است، اظهار کرد: بازار سرمایه تابع شرایط اقتصاد کلان است. شاید در کوتاه‌مدت بتوان با وعده و وعید، تغییر قوانین یا چیزی به نام حمایت، در رفتار بازار دست برد، اما در بلندمدت این امکان نه‌تنها در ایران بلکه در هیچ نقطه‌ای از دنیا وجود ندارد. او درباره وضعیت بازار سرمایه در کوتاه‌مدت نیز توضیح داد: کمتر از شش ماه دیگر سال مالی تمام می‌شود و سود شرکت‌ها خوب است. p/s در دل شرکت‌ها باقی می‌ماند که سال بعد تقسیم می‌کنند و با سود سال بعد دوباره P/E می‌گیرند. از آنجایی که میانگین P/E شرکت‌های اصلی و شاخص‌ساز است، حدود ۱۵ تا ۲۵ درصد تا فصل مجامع از محل P/S بازدهی خواهیم داشت؛ بنابراین اگر تا مجامع تغییری در سایر متغیرهای اقتصادی رخ ندهد، بازار حداقل بین ۱۵ تا ۲۵ درصد رشد دارد که نسبت به اوراقی که سود یک‌ساله ۲۰درصدی دارند، جذاب‌تر است.

اعلام وصول لایحه اصلاح نظام تخصیص ارز دولتی به مجلس

روزهای پایانی ارز دولتی

شرق: پرونده یک موضوع خبرساز در اقتصاد ایران به مرحله تازه‌ای رسیده است؛ تغییر در شرایط ارز دولتی یا بر اساس آنچه اقتصاددان‌های دولت کنونی بر آن اصرار دارند، اصلاح ارز دولتی حالا در قالب یک لایحه دوفوریتی به بهارستان و صحن پارلمان فرستاده شد. دولت البته برای این لایحه از عبارت دیگری استفاده کرده که به نظر می‌رسد بیشتر به اهداف مدنظر خود برمی‌گردد تا نامی برای این لایحه؛ «تأمین مطمئن کالاهای اساسی، نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و سیاست‌های جبرانی برای حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر» آن‌هم با قید دوفوریت. فارغ از این بحث و تفاوت‌ها درباره نام‌گذاری حالا قرار است پرونده یکی از خبرسازترین چالش‌های اقتصاد ایران یعنی ارز دولتی به سرانجام برسد و دولت سیزدهم هم گام نخست را دیروز برداشته است. روز گذشته خبرگزاری رسمی دولت اعلام کرد معاون امور مجلس رئیس‌جمهوری از تقدیم لایحه «تأمین مطمئن کالاهای اساسی، نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و سیاست‌های جبرانی برای حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر» با قید دوفوریت به مجلس شورای اسلامی خبر داد. «سیدمحمد حسینی» درباره ضرورت تقدیم این لایحه گفت: «با عنایت به تأثیرپذیری روند تأمین و قیمت کالاهای اساسی از افزایش قیمت‌های جهانی و تغییرات اقلیمی و با هدف فراهم‌آوردن امکان تأمین کافی کالاهای اساسی، نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر از طریق پرداخت یارانه، لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است». معاون امور مجلس رئیس‌جمهوری افزود: «در این لایحه به‌منظور جبران آثار منفی ناشی از افزایش قیمت جهانی نهاده‌های دامی و کشاورزی وارداتی و همچنین بروز خشک‌سالی در سال جاری و به جهت اطمینان از تأمین کافی کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات مصرف پزشکی، به دولت اجازه داده می‌شود تا نسبت به افزایش سقف اعتبار موضوع جزء «۳» بند «ب» تبصره «۱» ماده‌واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۰ جهت تخصیص ارزش سهام با مبادله منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز اقدام کند و درآمد حاصل از تغییر نرخ کالاهایی را که با ارز ترجیحی تأمین شده است، به میزان و روشی که توسط دولت تعیین می‌شود، به افراد مشمول پرداخت کند». حسینی گفت: «دستگاه‌های ذی‌ربط هم موظف‌اند سیاست‌گذاری و فرایند تخصیص، توزیع و موارد مصرف ارز ترجیحی را به‌گونه‌ای اجرا و نظارت کنند که کالاها و خدمات مشمول، بهنگام و با قیمت مناسب با نرخ ترجیحی ارز به مصرف‌کننده نهایی برسد». ضمن آنکه دولت مجاز شده تا در صورت عدم کفایت منابع تخصیص‌یافته برای پرداخت یارانه، مابه‌التفاوت را از محل جابه‌جایی ردیف‌های جدول تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ تأمین کند. لایحه پیشنهادی دولت البته منتقدانی هم دارد؛ اما منتقدان هم نظر به اهمیت و حساسیت موضوع، با احتیاط درباره آن سخن گفته‌اند و لبه‌های تیز انتقاد را اندکی تراشیده‌اند. همچنین عمده رسانه‌ها تنها به اصل خبر اشاره کرده‌اند و کمتر به تحلیل موضوع پرداخته‌اند. خود دولت، شامگاه روز سه‌شنبه ۱۸ آبان از اقتصاددانانی از طیف‌های مختلف دعوت کرده بود تا نظرگاه‌های خود را با رئیس‌جمهور در میان بگذارند. به گزارش خبرگزاری فارس، در این جلسه برخی اقتصاددانان حاضر مانند پرویز داوودی، احمد توکلی، خوش‌چهره و حسین راغفر انتقادهای خود را نسبت به این طرح بیان کردند. سایر اعضای حاضر در جلسه هم اغلب بر ضرورت حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی تأکید کردند و معتقد بودند نتایج مثبتی برای اقتصاد ایران خواهد داشت، اما در کنار آن نگرانی‌هایی نسبت به آثار تورمی این تصمیم دولت ابراز کردند.

در مجلس نیز برخی نمایندگان مخالفت خود را با لایحه دولت علنی کردند. ازجمله «رحمت‌الله نوروزی»، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: «در چنین شرایطی حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود و یارانه مدنظر جایگزین این حذف هم جبران‌کننده این شرایط نیست. باید توجه داشت که همواره مقام معظم رهبری بر حمایت از قشر آسیب‌پذیر و آحاد مردم و تأمین معاش مردم تأکید داشتند». عبدالناصر همتی، رئیس پیشین بانک مرکزی نیز با انتشار مطلبی بسیار محتاطانه به برخی ایرادهای احتمالی این طرح پرداخت. در مطلبی که در صفحه شخصی همتی منتشر شده ازجمله آمده است: «آن‌گونه که اعلام شده است ارز ترجیحی دارو، تجهیزات پزشکی و گندم، قطعا به‌دلیل اهمیت دارو و درمان و نیز ضرورت کنترل قیمت نان، در برنامه حذف قرار ندارند؛ بنابراین در این صورت سیستم ارز دونرخی، با همه ایراداتش، همچنان ادامه خواهد یافت؛ بنابراین با درنظرگرفتن تداوم خشک‌سالی و نیاز به تأمین واکسن کرونا، همچنان ضرورت تخصیص و تأمین رقمی بیش از شش میلیارد دلار ارز ترجیحی باقی خواهد ماند». اما مهم‌ترین مسئله همتی: «نحوه جبران و میزان پرداخت مابه‌التفاوت به مردم است. اولا مابه‌التفاوت به چه گروه‌هایی از مردم پرداخت می‌شود؟ آیا بر اساس آنچه گفته می‌شود با پرداخت به ۴۰ میلیون نفر مقصود حاصل می‌شود؟ آیا اطلاعات و آمار دقیق از جامعه هدف مورد حمایت وجود دارد؟ آیا جبران به‌صورت یارانه نقدی خواهد بود یا کارت خرید کالایی؟ توجه شود که هرگونه نقص سیستم تأمین یارانه کالایی می‌تواند اجرای طرح را با شکست روبه‌رو کند. اگر هم نقدی پرداخت می‌شود آیا در موارد هزینه‌کرد آن انحراف ایجاد نمی‌شود؟» و البته در نهایت بر لزوم همدلی و وحدت برای اجرای این طرح اشاره شده است.

بررسی تحلیلی شرایط اقتصادی مردم در پنجمین سالگرد زمین‌لرزه

اشتغال‌زایی در پسازلزله کرمانشاه

چه شد و چه باید می‌شد؟

شرق: چهار سال پیش و در چنین روزهایی درست در شامگاه ۲۱ آبان ۹۶، زمین‌لرزه‌ای غرب ایران و بخش‌هایی از عراق را لرزاند و دقایقی بعد مصیبتی بر سر صدها هزار نفر از ساکنان این مناطق آوار شد. مرگ بیش از ۶۲۰ نفر، زخمی‌شدن نزدیک به ۱۰ هزار نفر و آوارگی و بی‌خانمانی نزدیک به ۷۰ هزار نفر تنها بخشی از آوار و خسارات این بلای طبیعی بود اما زنجیره این مصیب همچنان پاره نشده و آثار سوء آن ادامه دارد. این زمین‌لرزه علاوه بر خسارات جانی و مالی کم‌سابقه، به دلایل دیگری هم در یک دهه گذشته بحث‌برانگیز است و آن هم حضور و فعالیت انجمن‌ها و سمن‌های خیریه است؛ خاطره آن‌روزها که لشکری سلبریتی و افراد سرشناس با انتشار شماره‌کارت خود مبالغ میلیاردی برای کمک به زلزله‌زدگان جمع کردند، همچنان در خاطره‌ها باقی مانده و محل بحث‌های جامعه‌شناختی فراوان هم شده است. فارغ از این بحث‌ها، چهار سال پس از این زلزله، شرایط کنونی مردم چگونه است؟ آن همه برنامه و بودجه جمع‌شده مردمی و دولتی به کجا رسید و نتیجه آن همه شعار برای زلزله‌زدگان چه بوده است؟ در آستانه چهارمین سالگرد این زلزله «محمد ایران‌منش» مدرس دانشگاه و کنشگر و پژوهشگر مدیریت مخاطرات به موضوع مهمی پرداخته و شرایط اشتغال در این مناطق را بررسی کرده است. یادداشت زیر که بخشی از نتایج این پژوهش است، به دلایلی فراوان، مهم و حائز اهمیت است؛ این پژوهشگر با بررسی شرایط کنونی و روند میدانی در ابتدا از اهمیت اشتغال‌زایی پس از چنین حوادثی می‌گوید و در ادامه با بررسی شرایط کنونی این مناطق به تحلیل کارنامه سمن‌ها و نهادهای دولتی می‌پردازد. فارغ از این نگاه کوتاه، این یادداشت از زاویه‌ای کمتر پرداخته‌شده به یک بحران فراموش‌شده می‌پردازد و همین اهمیت این مقاله را بیشتر می‌کند.

محمد ایران‌منش: اشتغال‌زایی از مقولات بسیار مهم اقتصادی است که در شرایط بحرانی پساسانحه‌ها، اهمیت دوچندان می‌یابد. پیرمردی روستایی در زلزله قره‌داغ سال ۹۱، این اهمیت را خیلی ساده چنین بیان کرده بود: «من ۷۰ سالم است! بلدم خودم و زن و بچه‌ام را از سرما و حمله گرگ‌ها نجات بدهم! اما گلّه‌ام این را نمی‌داند! اگر همتی می‌خواهید بکنید برای آنها آغل بسازید! آنها، برای ما منبع درآمد و خوراک هستند!». تجارب نشان می‌دهند پس از سوانحی همچون زلزله‌های سهمگین، همه سامان‌های زندگی ازجمله اقتصادی به هم می‌ریزد، معمولا برخی مردم به‌ویژه توانمندان مالی و فعالان اقتصادی از منطقه مهاجرت می‌کنند، پس از دوره بازسازی نیز تمایل سرمایه‌گذاران خارج منطقه به سرمایه‌گذاری در منطقه، رو به کاهش می‌گذارد و بی‌کاری افزایش می‌یابد، کمک‌های دولتی و مردمی نیز تمام می‌شود و مردم آسیب‌دیده باید روی پای خودشان بایستند. در چنین شرایطی، تأثیرات اشتغال‌زایی پساسانحه برای سانحه‌دیدگان به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: درآمدزایی و افزایش توان مالی، دورشدن از گرایش به روحیه تکدی‌گری و تقویت عزت نفس، کاهش آلام روحی و تقلیل آسیب‌های اجتماعی مانند فقر، بی‌کاری، اختلافات خانوادگی و طلاق، اعتیاد، خودکشی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و... . در پسازلزله سرپل‌ذهاب (آبان۱۳۹۶)، به‌زعم پیشرفت اندکی که در مدیریت مخاطرات ایران رخ داده بود، در عرصه اشتغال‌زایی، تحولی کیفی در نگرش‌ها را چندان شاهد نبودیم. در این دوره طبق سنتی اشتباه، اغلب سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) و سدن‌ها (سازمان‌های دولت‌نهاد)، همچون گذشته حداکثر توجه و توان را بر رفع مسائل روزمره خوراک و پوشاک و سایر نیازهایی همچون مسکن گذاشتند و طبق معمول، به‌طور احساسی و واکنشی نگاهی کمک‌دهنده-کمک‌گیرنده به آسیب‌دیدگان داشتند. اگرچه تعداد کمی از سمن‌ها و سدن‌ها نیز به ضرورت اشتغال‌زایی توجه کردند، ولی اکثرا از نقش علم و تخصص لازم در این امر غفلت ورزیدند! به‌طور مثال در بین اکثر سمن‌ها خیاطی و تولید صنایع دستی، از نخستین طرح‌هایی بود که مورد حمایت قرار گرفت، بدون آنکه توجهی جدی به بازار آنها بشود؛ درحالی‌که این دو فعالیت، اکثرا دچار مشکلاتی هستند. صنایع دستی ایران سال‌هاست به علت روش‌های قدیمی تولید و پرهزینه، محصولات غیراستاندارد و ناسازگار با سلیقه‌های روز بازار، قابلیت فروش خود را سخت از دست داده‌اند. فعالیت خیاطی تازه‌پا، آن‌هم در مقیاس بسیار خرد نیز معمولا قابلیت رقابت با کارگاه‌های بزرگ و ماشینی را ندارند؛ ضمن اینکه با بازارهای محلی اشباع مواجه‌اند. سمن‌های ما برای حل این مشکلات همچون گذشته روی به فروش خیریه‌ای و ترحم‌برانگیز آوردند که نه منطقی بود و نه ادامه‌پذیر. اگرچه ما در مراحل اولیه ناگزیر از حمایت‌های مالی و بازاریابی از این محصولات هستیم، ولی باید توجه کنیم که پس از مدتی این حمایت‌ها باید حذف شوند تا این فعالیت‌ها قدرت رقابت یافته و به قول معروف روی پای خود بایستند. البته اگر در حمایت از این‌گونه مشاغل، قصد سرگرم‌کردن سانحه‌دیدگان و کاهش آلام روحی‌شان را داریم، حمایت‌های کوتاه‌مدت و کم‌هزینه، توجیه است؛ ولی اگر قصد درآمدزایی از آنها را داریم باید رقابت‌پذیر شوند؛ امری که آسان نیست. آنچه مهم است باید در انتخاب طرح، چندان هم از وضع موجود پیروی نکرد و خلاقیت به خرج داد. مثلا در شرایط کاهش قدرت خریدها و روی‌آوردن مردم به تعمیرات در تمام کالاها به‌خصوص کالاهای گران مانند لوازم خانگی، موبایل و... چرا به خدمات تعمیری توجه نکنیم!؟ درست است که آموزش آنها زمان می‌برد، ولی بازار و درآمدهای نسبتا خوبی دارند. تجارب و بررسی‌های نگارنده از شروع بازسازی خرمشهر در اواخر سال ۶۱ و بازسازی زلزله‌های رودبار (۶۹)، بم (۸۲)، آذربایجان (۹۱) و سرپل‌ذهاب (۹۶) نشان می‌دهند که به‌طورکلی ما در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها با علم امکان‌سنجی طرح‌ها (Feasibility Study)[1] کاملا بیگانه بوده‌ایم. در این مورد می‌توان مثال‌های فراوانی زد: ما با اجرای طرح‌های بسیار فراوان و پرهزینه‌ای روبه‌رو بوده‌ایم که یا به علت کمبود منابع، ناتمام و معطل‌مانده (مانند باغ هنر و فرهنگ‌سرای زنان در بم؛ خانه فرهنگ در هریس آذربایجان شرقی)، یا در صورت تکمیل سرمایه‌گذاری‌ها، در تأمین هزینه‌های اداره آنها، متولیان را زمین‌گیر کرده‌اند (مانند ورزشگاه بزرگ در بم، دانشگاه و هنرستان و ورزشگاه در رستم‌آباد رودبار)، یا مورد نیاز محل نبوده (مانند حمام در روستای جزلاندشت طارم علیا، رختشویخانه دائمی در روستای گونجیک اهر، مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست و خانه سالمندان در بم)، یا فراتر از ظرفیت محل بوده (مانند برخی مدارس و مراکز بهداشتی و نیز ورزشگاه بزرگ در بم؛ ورزشگاه بزرگ در رستم‌آباد رودبار)، یا به‌خاطر ویژگی‌های آنها و متولیانش دستخوش مناقشه‌های محلی شده‌اند (مانند زمین اهدایی برای ورزشگاه در بم که به تصاحب نهادی مذهبی درآمد، ورزشگاه هریس که محل تعارض بین متولی آن و نهادی شبه‌نظامی شده بود)، یا اساسا مجریان را از چند و چون مطالبه‌گری‌های اجتماعی از دولت دور کرده‌اند (مانند عملکردهای چند چهره سرشناس فعال در زلزله کرمانشاه)، یا عدم بررسی‌های لازم در میزان امکانات فیزیکی محل مانع اجرای طرح‌ها شده است (مثل بی‌توجهی به کمبود زمین اهدایی در شهر سرپل‌ذهاب برای احداث فرهنگ‌سرا)، یا روانه‌کردن انبوه ابزارهایی به منطقه، بدون توجه به تداوم فعالیت که موجب عاطل و باطل ماندن آنها شده است (مانند ارسال چرخ خیاطی‌های فراوان به قره‌داغ آذربایجان و کرمانشاه زلزله‌زده) یا صرف منابع زیاد روی صنایع دستی مهجوری که بازار نداشته‌اند! (در تمامی مناطق سانحه‌دیده). مختصر آنکه اشتغال‌زایی، موضوعی بسیار تخصصی و علمی است و از عهده یک سمن غیرآشنا به آن برنمی‌آید. چنانچه بر اساس شاخص‌ها و معیارهای یادشده بنگریم، می‌بینیم که اکثر طرح‌های اشتغال‌زایی که توسط سمن‌های ما در پساسوانح به راه افتاده متأسفانه ناموفق بوده‌اند. ما حتی در کشورهای غربی نیز این ناکامی را می‌توانیم ببینیم.: «مایکل پورتر» استاد دانشکده کسب‌وکار دانشگاه هاروارد و از تأثیرگذارترین اندیشمندان در حوزه مدیریت کسب‌وکار در سطح بین‌الملل که خود ضمن فعالیت‌های اقتصادی، چند مؤسسه غیرانتفاعی نیز تأسیس و مدیریت کرده و مشاور سمن‌های بسیاری در سطح جهان بوده، در مورد عملکرد مالی سمن‌ها چنین می‌گوید: «میلیون‌ها و شاید هم میلیاردها دلار برای فعالیت‌های خیریه و انسان‌دوستانه هدر رفته است! فعالیت‌های انسان‌دوستانه به دلیل اینکه با حوزه کسب‌وکار آشنایی چندانی ندارند و چند دهه از دنیای فکری آن دورند، پول را در جاهای اشتباه، با کمترین کارایی و اثربخشی هزینه می‌کنند». در اقدامات سدن‌ها (سازمان‌های دولت‌نهاد) در پسازلزله سرپل‌ذهاب نیز با این چالش‌های اساسی روبه‌رو بودیم: به‌رغم تصویب وام‌های گوناگون برای احیای واحدها و فعالیت‌های اقتصادی در مناطق شهری، روستایی و عشایری با بهره‌های پایین، در اعطای آنها معمولا تأخیر فراوان و نظارت‌های ضعیف اعمال شدند. سازمان‌های متولی بازسازی همچون گذشته، به جای حمایت از ظرفیت‌های گوناگون اشتغال‌زای بومی منطقه، اغلب مصالح ساختمانی و نیروی کار را از خارج منطقه وارد کردند و در انتخاب پیمانکاران نیز همچون گذشته، معمولا به جای ضوابط روی به روابط آوردند! ورود نیروی کار غیربومی، موجب تشدید برخی آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد و مسائل اخلاقی خانوادگی شد. واردات مصالح نیز به احیا و توان رقابت واحدهای موجود منطقه آسیب جدی رساند. افزون بر اینها نباید از نظر دور داشت که صِرف دادن پول به واحدهای اقتصادی آسیب‌دیده بدون ارائه بسته‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای ارتقای کیفیت محصولات و بازاریابی آنها، هیچ‌گاه چاره‌گشا نبوده است. با این تفاصیل، به‌راحتی می‌توان برآورد کرد که به علت فقدان نگرش علمی و عدم استفاده از متخصصان امر و درس‌نیاموختن از تجارب گذشته، منابع مالی قابل توجهی در پروژه‌های اشتغال‌زایی سمن‌ها و سدن‌ها به هدر رفته‌اند! بررسی‌های نگارنده در منطقه سانحه‌دیده کرمانشاه نشان می‌داد که بنا بر ادله زیر تمرکز خود را می‌بایست بر فعالیت‌های متناسب با شرایط منطقه، البته آن هم پس از انجام مطالعات امکان‌سنجی دقیق می‌گذاشتیم:

۱- موقعیت ژئوپلیتیک خاص (هم‌جواری با عراق)، تقابلات درازمدت تاریخی ملت-دولت و نیز اعمال تبعیضات موجب جلوگیری از رشد توان کارآفرینی شده و سرمایه‌گذاران به‌رغم استعداد خوب صادراتی منطقه، از ایجاد فعالیت‌های بزرگ، امتناع ورزیده‌اند. از این‌رو ما عموما با کارگاه‌های خرد مواجه بوده‌ایم. در منطقه فقط یک شهرک صنعتی (سرپل‌ذهاب) متشکل از چندین کارگاه کوچک و بعضا متوسط وجود دارد که برخی نیز تا قبل از زلزله، راکد یا نیمه‌فعال بوده‌اند!

۲- وضعیت جغرافیایی منطقه بسیار مستعد طرح‌های گردشگری است که البته به مهیاسازی زیرساخت‌ها نیاز دارند. چنین وضعیتی، ما را ملزم می‌کرده که با انجام بررسی‌های دقیق‌تر و رعایت احتیاط‌های لازم در انتخاب و اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی عمل کنیم.

پی‌نوشت:

۱- به‌طور خیلی خلاصه مطالعات امکان‌سنجی، تحلیلی علمی است برای اینکه ببینیم آیا اجرای یک طرح، عملی و امکان‌پذیر است یا نه و بستگی زیادی به پیش‌بینی وجود بازار برای محصول طرح چه کالا یا خدمات دارد. هرگاه ظرفیت بازار مناسب تشخیص داده شد، آن‌گاه ابعاد فنی و سپس ابعاد مالی طرح بررسی می‌شوند. طبق نظریه نگارنده، سمن‌ها در طرح‌های پساسانحه، باید از تحلیل امکان‌سنجی پساسانحه (Post-Disaster Feasibility Study) که بر مبنای «اقتصاد اجتماعی» (Social Economy) استوار است سود جویند؛ زیرا تشکل‌های مدنی به‌عنوان بخش سوم جامعه (افزون بر بخش‌های دولتی و خصوصی)، با تکیه بر سرمایه اجتماعی، همواره در زمان بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی، داوطلبانه و با سازوکارهای چابک خود وارد عرصه کارزار می‌شوند و به نحوی انسان‌دوستانه به حمایت از همنوعان می‌شتابند. در واقع این اقتصادی به مفهوم متعارف و با جهت‌گیری سودجویانه نیست. عملکرد اقتصاد اجتماعی ناسودبرانه و حمایت‌هایش نیز می‌توانند حتی شکل آموزش‌ها و مشاوره‌های بسیار مفید و حیاتی‌ای داشته باشند که در آنها پولی ردوبدل نمی‌شود. برای اطلاع بیشتر به کتاب «اولویت اشتغال‌زایی در کمک‌رسانی‌های پس از حادثه» نشر صمدیه تهران، ۹۶ رجوع کنید.

خبر

لبنیات ۱۰ درصد ارزان نشد!

● **ایسنا:** دبیر انجمن صنایع فراورده‌های لبنی ضمن اعلام این موضوع که کاهش ۱۰ درصدی قیمت سه محصول پرمصرف لبنی در مقیاس ملی به علت عدم همراهی شبکه فروشگاهی امکان‌پذیر نشده است، از مسئولان درخواست کرد امکان توزیع مستقیم سه قلم کالای لبنی یا قراردادن در سبد معیشت کالا را فراهم و وزارت صمت شبکه عرضه مستقیم کالا را به انجمن صنایع لبنی معرفی کند. حدود یک ماه پیش وزیر جهاد کشاورزی از کاهش ۱۰ درصدی قیمت برخی از محصولات لبنی خبر داد و اعلام کرد با تصمیمی که در ستاد تنظیم بازار گرفته شده و بنا بر دستوری که رئیس‌جمهوری در مورد ثبات قیمت‌ها و فراوانی و دسترسی اقلام صادر کرده است، از ۱۷ مهرماه قیمت سه محصول اصلی شیر، ماست و پنیر ارزان خواهد شد. بر اساس این تصمیم مقرر شده بود که شرکت‌های لبنی و شبکه توزیع از محل سود خود هرکدام به مصرف‌کننده پنج درصد تخفیف دهند که سرجمع سه محصول لبنی پرمصرف یعنی شیر نایلونی ۹۰۰ گرمی پاستوریزه ساده، ماست دوونیم کیلویی ساده و پنیر یواف ۴۰۰ گرمی با ۱۰ درصد تخفیف به دست مصرف‌کنندگان برسد. بنا بر گفته فعالان صنایع لبنی از ۱۷ مهرماه این تخفیف از سوی شرکت‌های لبنی بر روی محصولات مذکور اعمال و روی ظروف محصولات نیز درج شده است؛ یعنی صنایع به وعده خود عمل کردند. همچنین فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز اقدام به عرضه محصولات دارای تخفیف کرده‌اند. اما اگر این کاهش قیمت در بازار محسوس نیست به این دلیل است که مغازه‌ها و سوپرمارکت‌ها به دلیل افزایش هزینه‌های آب، برق و اجاره‌بها با این تخفیف موافق نبوده و برخی از مغازه‌ها به‌دلیل سود کم این اقلام حتی مایل به دریافت و فروش این سه محصول در مغازه‌های خود هم نیستند.

راه‌سازی کشور معطل قیر

● **ایسنا:** بر اساس اظهارات مسئولان وزارت راه‌وشهرسازی یکی از بزرگ‌ترین موانع سر راه ساخت راه‌های کشور، مشکل تأمین قیر و افزایش قیمت آن بوده و به گفته معاون وزیر راه‌وشهرسازی آسفالت بیش از ۵۰۰ کیلومتر جاده با همین مشکل دست‌به‌گیربان است. مشکل افزایش قیمت ناگهانی و بسیار زیاد قیر که در دو سال گذشته شش برابر و در ۲۰ سال گذشته ۴۰۰ برابر شده است، مصرف آن را در کشور با اختلال مواجه کرده و بسیاری از پروژه‌های عمرانی کشور که عمدتا از سوی بخش‌های دولتی در دست اجرا یا مدیریت است، به دلیل همین مسائل با کندی و توقف مواجه شده‌اند. خیراله خادمی، معاون وزیر راه‌وشهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور، روز گذشته در حاشیه همایش ملی و نمایشگاه قیر، آسفالت و ماشین‌آلات درباره مشکل قیر و تأمین آن برای پروژه‌های راه‌سازی گفت: «هر سال تولید و مصرف آسفالت در کشور به دلیل افزایش قیمت قیر کاهش پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از تولید ۱۲ میلیون تن آسفالت در سال ۱۳۹۵ به شش میلیون تن در سال گذشته رسیده و از سویی دیگر در ۱۸ ماه گذشته قیمت قیر شش برابر افزایش پیدا کرده و از دو میلیون تومان به ۱۲ میلیون تومان به ازای هر تن رسیده است». او گفت: «جالب اینجاست که برای تولید قیر هیچ مواد وارداتی نداریم اما در یک ماه گذشته قیمت آن با وجود اینکه نرخ دلار افزایش نداشته ۵۰ درصد بیشتر از گذشته شده است و این درست نیست که فروش قیر به داخل و برای اجرای پروژه‌های ملی با نرخ صادرات قیر یکی باشد؛ چراکه تولید قیر با سوبسید داخلی انجام شده و برای این پروژه‌ها باید با همین سوبسید عرضه شود».

۲۰ قلم از کالاهای اساسی قیمت‌گذاری می‌شوند

● **ایسنا:** جلسه ستاد تنظیم بازار روز گذشته به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور برگزار و بر اساس مصوبات آن مقرر شد قیمت ۲۰ کالای اساسی ظرف ۲۴ ساعت آینده از سوی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری سایر نهادهای مرتبط محاسبه و به‌طور رسمی اعلام شود. معاون اول رئیس‌جمهور در این جلسه از نوسان قیمت‌ها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های امروز مردم و مسئولان کشور یاد کرد و گفت: «باید با برنامه‌ریزی دقیق و اتخاذ تصمیمات و تدابیر لازم، نسبت به ساماندهی این وضعیت اقدام شود». محمد مخبر با اشاره به گزارش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط و بازدیدهای مستمر از فروشگاه‌ها و رصد قیمت کالاهای اساسی اظهار کرد: اگرچه کالاهای اساسی به وفور در فروشگاه‌ها موجود است، اما اختلاف قیمت‌ها مردم را آزار می‌دهد که باید با تشدید نظارت‌ها، با متخلفان برخورد شود. در این جلسه مقرر شد جهت جلوگیری از قیمت‌گذاری سلیقه‌ای برخی فروشندگان و نوسانات بازار و امکان اعمال قانون درخصوص متخلفان، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ظرف ۲۴ ساعت فهرستی از مهم‌ترین کالاهای ضروری و اقلام پرمصرف خانوار را احصا و قیمت‌گذاری کرده و در اختیار مردم و بازرسان قرار دهند تا افراد سودجو و فروشندگان متخلف شناسایی و به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی شوند.